

پیام همدردی مادران پارک لاله ایران برای رفتن آذر خانم عباسی، زنی مبارز که سرشار از شور زندگی بود!



با تأسف و اندوه فراوان، خانم آذر عباسی متولد ۱۳۱۵، در طی دو ماه گذشته ۲ بار سکته مغزی کردند و روز به روز ناتوان‌تر شدند و در ۱۰ صبح روز دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۹۹، در سن ۸۴ سالگی از میان ما رفتند. گفته شده که فردا پنج شنبه ۷ اسفند/ ۲۵ فوریه، مراسم وداع با مادر با حضور خانواده برگزار می‌شود و بنا به درخواست خود ایشان، پیکرش را می‌سوزانند.

تنها از این زن مبارز این را بگوییم که آذر عباسی در ۳۰ مرداد ۱۳۳۲، در سن ۱۷ سالگی به زندان افتاد و حدود ۷ ماه را در زندان بود. او از عنفوان جوانی، علیه دیکتاتوری و بی‌عدالتی و نابرابری جنگید و تا دم مرگ از این مبارزه دست نکشید. امید که خانواده و دوستان نزدیک او در زمانی مناسب بتوانند خاطرات این زن مبارز و مقاوم را بنویسند.

خانواده‌ها و دوستانی که خانم آذر عباسی را از نزدیک می‌شناسند، گفته اند: آذر خانم زنی محکم، مبارز و سرشار از شور زندگی و عشق بود و از سال‌های دور رفیقی صمیمی برای فعالان سیاسی و همراهی همیشگی برای مادران و خانواده‌های خاوران بود. خوشبختانه مادر آذر خود داغ فرزند ندید، ولی با عشقی که در وجودش داشت، یک دم آرام نگرفت و همواره یار و غم‌خوار زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه زخم‌خورده از دو حکومت دیکتاتوری شاه و حکومت اسلامی بود.



خانم آذر عباسی از حدود ۹ سال پیش ایران را ترک کرد و در هلند، نزدیک محل اقامت فرزندان در اروپا زندگی می‌کرد. در این مدت دو دختر و دو پسر و نوه‌ها، چون پروانه به‌گردد او می‌گشتند و مادر نیز آن‌ها را با شوری در سر و عشقی در دل سیراب می‌کرد.

دیروز که خبر رفتن نابه‌هنگام مادر آذر در فضای مجازی پخش شد، دوستانی که ایشان را به‌طریق مختلف می‌شناختند و مقاومت و ایستادگی او را در ایران و خارج از کشور دیده بودند، یادداشت‌هایی در گرامی داشت او در فیس‌بوک نوشتند و تصاویر مختلفی از حضور و همراهی ایشان با خانواده‌ها در ایران و در تجمع‌های خارج از کشور پخش کردند.

مهین خدیوی نوشت: بدرود مادر جون، مادر آذر عزیز همه‌ی ما، مادر مبارز و یار و یاور همه‌ی عزیزان خاوران. مادر جان در قلب و جان ما ریشه‌داری. همیشه هستی. همیشه. مادر آذر ما، یکی دیگر از مادران سرفراز خاوران، ما را تنها گذاشت.



منصوره بهکیش نوشت:
امروز مادری مهربان و زنی عاشق و مبارز و مقاوم از میان ما رفت. دردا و دریغاً که آذر خانم عباسی عزیز را هم از دست دادیم و این رفتن ها چه تلخ و ناباورانه است و هر روز ما را فرسوده تر می کند، نه نه، نباید فرسوده شد و باید از آن ها آموخت و محکم ماند. آذر خانم عزیز، از سال های دور یار و همراه مادران و خانواده های

خاوران بود و حضورش و وجودش گرمابخش جمع های صمیمی ما بود و گاه نیز با صدای زیبایش برای ما می خواند. هم اکنون آن حالت با جیروت اش که با صدایی رسا برای ما می خواند، در جلوی چشمانم آمده است، ولی به یاد نمی آورم که چه چیز را می خواند. گاه نیز بر سر مسایل سیاسی با هم بحث می کردیم. تصویری از آذر خانم نازنین و مادر رباحی عزیز از سال های دور و تصویری از او در سال های نزدیک را به اشتراک می گذارم. تسلیت به خانواده مهربان او، و تسلیت به مادران و خانواده های خاوران و تمامی دادخواهان. یادشان گرامی و عشق شان به بهروزی انسان ها ماندگار باد!



فاطمه رضایی از مادران دورتموند نوشت: چه دوران سختی را می گذرانیم. اطلاع یافتیم که مادر آذر عزیزمان را هم از دست دادیم. مادری که همیشه و همه جا در راه دادخواهی به همراه جنبش دادخواهی بود. به همه خانواده عزیز مادر آذر مهربان مان از صمیم قلب تسلیت می گوئیم. یادت همیشه با ما خواهد بود. راهت پر رهرو مادر جان. عکس هایی از مادران دورتموند در مراسم سالگرد کشتار سال ۶۷ در سال ۲۰۱۶ که از طرف جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی- کلن برگزار شد را به اشتراک می گذارم. یادت همواره با ما خواهد ماند مادر آذر عزیز!

تونیا ولی اوغلی نوشت: گل نسبتی ندارد با روی دلفریبت. تو در میان گل ها چون گل میان خاری. دیروز داشتم با زنی از جنبش دادخواهی زنان ایران حرف می زدم، از نسل اول زنان دادخواه ایران! زنی که در تمامی دوران زندگی خود غمخوار دیگران بودند و در کنار خانواده هایی که عزیزان شان کشته شده اند، فعالیت داشتند. از نسل اول این زنان

تنها چند نفر مانده اند. مادر آذر یکی از آخرین های این نسل اول است که امروز دوشنبه در خواب جاودانه شد. وی هرگز در جنبش دادخواهی خاموش ننشست و حاضر در همه جا بود. در ده سال آخر زندگی خود در اروپا هر جا که امکانش بود و توانست حضور پیدا کند، دیده شد. برآستی در شگفتم از انسان دوستی و همدلی او، اراده و بردباری، عزم این زنان آزادخواه و برابری خواه. با رفتن هر کدام از این نسل برآستی زمین فقیرتر می شود و جایگزینی ندارد. آذرجون از آخرین های این نسل است که دیگر نیست. اما یاد عزیزش همواره با ما می ماند و در روز دادخواهی نام شان بلند به میان خواهد آمد.

مینا لبادی نوشت: مادر جان چقدر حیف که رفتی، بیاد همه خوبی هایت و خاطره های با هم بودن مان، یادت را گرامی می دارم.

و بسیاری از دوستان و یاران دیگر از ایران و خارج از کشور پیام‌هایی زیبا و با احساس نوشتند که متأسفانه امکان اجازه گرفتن از آن‌ها برای ثبت در این پیام تسلیت، در زمانی کوتاه میسر نیست.

خانواده مهربان آذر خانم، کلیپ زیبایی با موزیک بدون کلام عاشقانه‌های محمد نوری را، به همراه تصاویری از کودکی، جوانی و میان‌سالی مادرشان در کنار خانواده و دوستان، در فیس‌بوک به اشتراک گذاشتند که بسیار تاثیرگذار است. گفته شده این کلیپ برای تولد ۸۰ سالگی مادر آذر تهیه شده بود.

ما مادران پارک لاله ایران، این غم‌بزرگ را به خانواده‌های داغدار شعاعی و عباسی، به مادران و خانواده‌های خاوران و به تمامی آزادی‌خواهان و دادخواهان ایران تسلیت می‌گوییم و آروزی سلامتی و پایداری برای تمامی عزیزان مان را داریم.

تصویری از حضور مادر آذر در مراسم سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در گورستان خاوران که بر زمین نشست، و تصویری دیگر از حضور او در مراسم سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در کلن در سال ۲۰۱۶ که بر صندلی چرخ‌دار نشست و لوگوی مادران پارک لاله ایران را نیز بر گردن انداخته است، گویای شخصیت مبارز و مرام دادخواهانه او با تمام ناتوانی‌های جسمی‌اش است.

یاد این زن مبارز و شجاع گرامی و همراهی‌های عاشقانه‌اش برای دادخواهی ماندگار باد!

مادران پارک لاله ایران
۶ اسفند ۱۳۹۹

www.mpliran.net